

خالد حاج محمدی

مظفر محمدی

آیا کارگران ایران خودرو این بردگی را قبول خواهند کرد؟

ایران خودرو و شرکت‌های وابسته به آن، به بهانه تعدیل نیروی کار تعداد زیادی از کارگران را اخراج کرده اند. روز پنجشنبه ۱۸ سپتامبر حدود ۱۶۰۰ نفر از کارگران اخراج شده ایران خودرو در پارکینگ شرکت تجمع کرده و به اخراج خود اعتراض نموده اند. نیروهای حراست ایران خودرو کارت ورودی کارگران به شرکت را از آنها پس گرفته و عملاً مانع ورود کارگران و پیوستن به رفقای خود در محل کار شده اند. ماجرای اخراج و بیکارسازی در شرکت‌های مختلف وابسته به ایران خودرو از مدتها قبل در جریان است و کارفرمایان به بهانه مازاد نیروی کار، بخشی از کارگران را اخراج و همزمان کارگران دیگری را با شرایط کار بسیار برده وارتر و به صورت قراردادی استخدام کرده اند. کارفرمایان به این بهانه بخش زیادی از کارگران معترض و با اتوریته و قدیمی را نیز اخراج کرده اند تا با این کار از شر اعتراض کارگران خلاص شوند.

اینکه تجربه انقلاب فرهنگی دانشگاهها و پاکسازی محیط های آموزشی از دانشجویان معترض، امروز در ایران خودرو مورد استفاده قرار میگیرد، امری بسیار بدیهی است. اینکه اخراج را به عنوان حربه ای بالای سر کارگران قرار داده و بخشی را اخراج و بخش عمده تری را از ترس اخراج و بیکارسازی به سکوت...

ص ۲

معلمان، باز هم انتظار!

در وزارت آموزش و پرورش حدود يك ميليون معلم زیر خط فقر مطلق و گرسنگی محض زندگی می‌کنند. اولین تجمع معلمان در آستانه بازگشایی مدارس، روز ۲۶ شهریور در تهران با حمله پلیس جمهوری اسلامی مواجه شد و نمایندگان تشکلهای صنفی معلمان که از استان های سراسر کشور برای يك گردهم آیی به تهران آمده بودند دستگیر و مورد ضرب و شتم و اهانت قرار گرفتند. و به این ترتیب دور جدیدی از کشمکش فرهنگیان و دولت شروع شده است.

در چند سال اخیر معلمان و فرهنگیان بارها در قطعنامه ها و بیانیه های تجمعات خود خواستهایشان را مطرح کرده اند. افزایش حقوق، اجرای لایحه مدیریت خدمات کشوری و نظام پرداخت هماهنگ حقوق، استخدام شدن معلمان حق التدریسی، بهبود شرایط تدریس، تغییر محتوای کتب درسی و به روز کردن سیستم آموزش، امنیت شغلی، رفع تبعیض کامل در آموزش و پرورش، آزادی بیان و عقلانیت در آموزش و پرورش. از خواستهایی است که سالهاست موضوع مبارزه فرهنگیان و جدال بین آنها و دولت است. ص ۳

گلنباخ سلیمی

مارکس در رنگین کمان اعتراضی!

شهر مالمو در منتهی علیه جنوبی سوئد در فاصله هفدهم تا ۲۱ سپتامبر به یک "رنگین کمان" شباهت داشت؛ رنگین کمان اعتراضی! در فاصله این پنج روز شهر مالمو میزبان برگزاری دوره ای "European Social Forum" همایش اجتماعی اروپا بود. زیر چتر این همایش حدود بیست هزار نفر از نهادها و جریانات و احزاب مختلف از گوشه و کنار دنیا گرد هم آمدند. این بار هم همانند نوبتهای قبلی، تنوع طیف شرکت کننده در همایش خیره کننده بود. ناپدید شدن نسل خرسهای جنگلهای چین، دفن زباله های سمی کارخانه های برزیل، قتلهای ناموسی با ریشه های اسلامی، زندانیان سیاسی ترکیه تا کوبا... ص ۵

کارفرمای پرریس در برابر خواست های کارگران،

کارخانه را تعطیل اعلام کرد ص ۲

ساعات پخش تلویزیون پرتو

۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ هر شب به وقت تهران، تکرار: روز بعد ۳ تا ۴

بعد از ظهر، ماهواره هات برد، کانال ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری

آیا کارگران ایران خودرو این بردگی را قبول خواهند کرد؟

خود دارند. کارگران هفت تپه و اعتراض طولانی آنها، کارگران نساجی در چندین شهر ایران، کارگران کیان تایر، رانندگان و کامیونداران اهوز، کارگران شرکت واحد، کارگران پرس، فرش بافت و ریسندگی کردستان و دهها مرکز دیگر با همین مسائل دست به گریبان بوده اند.

هم اکنون جمهوری اسلامی برای تامین سود بیشتر سرمایه با چنگ و دندان در تلاش است تا بدترین شرایط کاری را به طبقه کارگر تحمیل کند. بیکاری هر روزه و ایجاد اختلاف میان کارگر شاغل و بیکار که هم اکنون در ایران خودرو یک خطر جدی است، افزایش سرسام آور قیمت مایحتاج اولیه مردم، دستگیری و شلاق زدن کارگران معترض و تعرض به پایه ای ترین حقوق و آزادیهای سیاسی در کل جامعه، همگی در خدمت ایجاد محیط امن برای تامین سود سرمایه به قیمت تحمیل بردگی بیشتر بر طبقه کارگر و مردم محروم است.

اند ایران خودرو و هر مرکز کارگری را به قتلگاه تبدیل کنند.

مسئله مهم این است که در مقابل این توحش طبقه کارگر بی دفاع است. ترس از اخراج و بیکارسازی به عنوان پتکی بالای سر همه نگه داشته شده است و طبقه کارگر در مقابل این حربه و از ترس، محافظه کار شده است. ایران خودرو با بیش از ۴۰ هزار کارگر، اگر دچار این ترس نبود، می توانست مانع این وضع و اخراج بخش زیادی از کارگران و تحمیل شرایط برده وارتر بر بقیه کارگران شود. راه دیگری جز اتحاد کارگران، جز دفاع از ابتدایی ترین حقوق پایه ای طبقه کارگر، جز اتحاد میان کارگران شاغل و بیکار و جز اتحاد حول مطالبات سراسری کارگران در مقابل این وضع نیست. در این مدت ما شاهد اعتراضات زیادی در گوشه و کنار این مملکت بر سر همین مطالباتی هستیم که کارگران ایران خودرو در مقابل

... وادار میکنند، باز چیز تازه ای نیست. اینها همگی تجارب صدها سال حاکمیت سرمایه داری بر مردم است و تجارب سه دهه حکومت جمهوری اسلامی ایران بر مردم ایران و طبقه کارگر میباشد. تلاش برای سودآوری بیشتر و پر کردن جیب صاحبان سرمایه به قیمت اخراج و تحمیل شرایط کار برده گی، تلاش برای پس گرفتن دستاوردهای تا کنونی طبقه کارگر و تلاش برای ساکت کردن کارگران در مقابل تحمیل شرایط بردگی مزدی و اخراج بخشی از همکاران و رفقای آنها، شگرد جدیدی نیست. افسار گسیختگی صاحبان سرمایه و دولت حامی آنها، تامین سود و سرمایه بیشتر با تحمیل بیکاری و گرسنگی و بی خانمانی طبقه کارگر امری همیشگی بوده است. اینان برای تامین سود بیشتر آماده

کارفرمای پریس در برابر خواست های کارگران، به تعطیلی کارخانه اقدام نمود

۳۱ شهریور ۸۷، طبق قرار قبلی کارفرما به اداره کار سنج فراهانده شد تا به کشمکش کنونی پایان دهد. کارگران مایل به بازگشت به کار بودند. کارفرما اعلام میکند که مواد اولیه در کارخانه موجود نیست و کارگران تا اطلاع ثانوی به خانه هایشان برگردند و مواد که رسید با آنها تماس خواهد گرفت. کارفرما همچنین خواهان درخواست خسارت از کارگران برای ایام اعتصاب است. کارگران خواست کارفرما را رد کردند. به این ترتیب کارفرما در چنین موقعیتی است که بر علیه کارگران دست به اعتصاب زده است و کارخانه را عملاً بسته است.

مسئله قرار داد کارگران هم به موضوعات مورد کشمکش دارد اضافه میشود، باتوجه به اینکه پایان قرار دادها مشخص نشده است و کارفرما میبایست آنها را در ۴ برگ تنظیم میکرد و آنرا انجام نداده است اکنون کارگران بدون قرار داد هستند و این قضیه ظاهراً به ضرر کارفرماست.

روز ۲ مهر قرار است اداره کار حکم خود را در رابطه با کشمکش کارگران و کارفرما صادر کند.

خبر دیگری از کارگران نساجی حاکی است که دو تن از کارگران این کارخانه، خلیل حسینی و احمد قنبری، جهت حل مشکل این کارخانه راهی تهران شده اند تا با فروزند رئیس بنیاد جانبازان گفتگو کنند.

رفقای کارگر!

حکم اداره کار هر چه باشد تجربه نشان داده است که مقامات رژیم و کارفرما باید زیر فشار کارگران و خانواده هایشان باشند تا خواسته های آنان را بشنوند، اینها همه کر خواهند بود تا زمانی که با نیروی متحد و همراه با خانواده ها و دیگر همزمان چرتشان را پاره کنید. همه با هم همدست و شریک جنایتی هستند که در حق به طبقه ما در جریان است، اینها در برابر اعتصاب کارفرما که عملاً کارخانه را دارد تعطیل میکند اطلاعات و حراست و باتوم به دست هایشان را روانه خانه اسفندیاری و یار احمدی کارفرما و مدیر پریس نمیکنند. شما باید توان و نیروی آن را ایجاد کنید و به این ترتیب باید حقوقتان را از حلقوم سرمایه داران بیرون بکشید!

کمیته کردستان حزب حکمتیست

۱ مهر ۱۳۷۸ - ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۸

معلمان، باز هم انتظار

...

آیا دور جدید مبارزات معلمان، انتظار دردناک و فقر طاقت فرسایشان را خاتمه خواهد داد؟ برای جواب به این سوال بار دیگر لازم است که تجارب تا کنونی را یاد آوری و راهکارهای آینده را بررسی کنیم.

تجارب تاکنونی و محدودیتهای آن

مبارزات معلمان در چند سال اخیر به صورت مقطعی و پراکنده تا کنون ادامه داشته است. اکنون بار دیگر در اواخر شهریور ۸۷، مجدداً معلمان به میدان میآیند. آمادگی نمایندگان کانونهای صنفی معلمان استانیهای سراسر کشور برای شرکت در یک گردهمایی در آستانه بازگشایی مدارس و در تهران نشانه آمادگی فعالنی و رهبران جنبش معلمان برای احقاق حقوق انسانی شان است. اما بار دیگر معلمان و کانونهای صنفی شان برای هر گونه پیشرفت در فعالیت و مبارزه دورجدید، نیازمند بررسی تجارب مثبت و منفی مبارزه شان در چند سال گذشته اند. این تجارب جلو چشمان ما است و سوالات متعددی که جواب میخواهند: دلیل ناکارآمدی مبارزات تا کنونی معلمان چیست؟ آیا معلمان و بخصوص تشکلهای

صنفی شان به موقعیت اجتماعی و ظرفیت مبارزاتییشان آگاهند؟ موثرترین روشها و تاکتیکهای مبارزاتی کدامند؟ و ...

۱- ناکارآمدی تشکل سراسری و صنفی معلمان

ناکارآمدی، عدم تمرکز و هماهنگی تشکلهای صنفی و سراسری یکی از موانعی است که مبارزات معلمان با آن روبرو است. مدت طولانی است که تشکلهای صنفی در هر شهر خود به ابتکار خود و در حد ظرفیت و آمادگی اعضا یا معلمان و فرهنگیان آن شهرواگذرگریده اند. اکثر کانونهای صنفی محلی تعطیل شده و بخشی از فعالین حقوق معلمان تحت تعقیب و آزار قرار گرفته و یا به تبعید تهدید و بخشا محکوم شده اند. آقای پیمان نودینیان دبیر کانون صنفی معلمان سنندج جزو این ها است. به این ترتیب میبینیم که ظرفیت و توانائی و نیروی معلمان هنوز یک کاسه نشسته است.

رهبری سراسری تشکلهای معلمان در این رابطه نقش تعیین کننده داشته است. زمانی آقای محمود بهشتی دبیرکل سابق کانون صنفی معلمان اظهار میکرد که "در صورتی که راهی برای ادامه فعالیت کانون در چارچوب قانون و مقررات وجود نداشته

باشد، این نهاد منحل خواهد شد!" و یا آقای اکبر باغانی دبیر کانون و هاشمی دبیر کل سازمان معلمان در تجمع معلمان جلو مجلس گفتند، "آمده ایم تا وفای به عهد و پیمان را به نمایندگان یادآوری نماییم". این در حالی است که علیرغم سال ها انتظار، همین نمایندگان مجلس بارها به فرهنگیان وعده دادند که برای بررسی و ارزیابی خواستههای معلمان هیات تشکیل می دهند. اما هیچوقت این هیات تشکیل نشد.

این آقایان و همه معلمان میدانند که همین قانون و مقررات است که فرهنگیان را به این حال و روز انداخته است. پس هر گامی برداشته شود برای تغییر این قانون و مقررات است. این چه قانونی است که حتی جمع شدن جلو مجلس و تضرع خواهی هم در آن جرم است. راه مبارزه با این اختناق، نه تعلیق برنامه و خواستههای بیانیه یزد بود و نه انحلال تشکل، آنطور که بهشتی گفته بود. باید جلو رفت و سد اختناق را شکست!

۲- تاکتیک و روشهای مبارزاتی

راه و روشهای مبارزاتی تا کنونی کمتر کارساز بوده اند. یکی از این شگردها جمع شدن جلو مجلس است. هر بار تعدادی از فرهنگیان حق التدریس یا نمایندگان تشکلهای

صنفی معلمان و یا بازنشستگان جلو مجلس جمع شده و به وعده های توخالی نمایندگان مجلس گوش داده و به سر کار یا خانه برمیگردند. سوال این است که از نماینده مجلسی که خود در انداختن معلمان به این روز سهمیم است، چه توقع و انتظاری میتوان داشت؟ حداکثر وظیفه و ماموریت اینها ساکت کردن معلمان و فرستادنشان به خانه است. اینها آدمهای آلت دست و بی اختیاری هستند که نباید ذره ای به آنها متوهم بود و یا فکر کرد که کاری از دستشان ساخته است. با نشان دادن یک موقعیت مظلومانه و انتظار ترحم از کسانی که معلمان را به این روز انداخته اند هیچ حقی به دست نمیآید! حضور در مدارس و نرفتن سر کلاس و به اصطلاح تحصن هم شیوه ای است که حدی دارد و دو سه روز بعد خود معلمان و دانش آموزان را هم خسته میکند. آنها در شرایطی که در مدت تحصن هیچگونه فعالیت ورزشی، هنری و فرهنگی و تفریحی و یا سمینار و سخنرانی و غیره در کار نیست که جای درس و کلاس را پر کند.

۳- معلمان از موقعیت اجتماعی و ظرفیت مبارزاتییشان تا کنون استفاده نکرده اند



نمایندگانشان را منسجم و یکپارچه و هماهنگ کند. اگر معیار اظهار نظرهای تا کنونی و شیوه های مبارزه باشد، باید متاسفانه گفت که رهبری کنونی به شدت متوهم، ناکارآمد و ناتوان در بکار گیری کل نیروی اجتماعی معلمان برای تحقق خواستههایشان است. این رهبری به نیروی واقعی معلمان باور ندارد.

۲- انتخاب موثرترین تاکتیک و شیوه مبارزه. اعتصاب سراسری و همزمان و هماهنگ موثرترین روش مبارزاتی و کارساز است. تحصن ها و اعتصابات پراکنده و جدا از هم در هر محل برای خود چندان کارساز نیست. یک اعتصاب عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، جامعه را تکان میدهد و گوش مسوولین دولتی را برای شنیدن حرف نمایندگان معلمان باز و آنها را به تجدید نظر در برخوردشان به خواستههای معلمان وامی‌دارد.

مذاکره نیز یک تاکتیک و شیوه مبارزه برای طرفین دعوا است. از این شیوه هم باید به درستی استفاده کرد و تسلیم وعده و وعیدهای طرف مقابل نشد. تا زمانی که آموزش و پرورش و دولت، نمایندگان منتخب معلمان یا تشکلهایشان را برای نمایندگانشان را منسجم و یکپارچه و هماهنگ کند. اگر معیار اظهار نظرهای تا کنونی و شیوه های مبارزه باشد، باید متاسفانه گفت که رهبری کنونی به شدت متوهم، ناکارآمد و ناتوان در بکار گیری کل نیروی اجتماعی معلمان برای تحقق خواستههایشان است. این رهبری به نیروی واقعی معلمان باور ندارد.

۳- مجامع عمومی معلمان در سطح مناطق شهری، گردهماییهای مشترک معلمان و دانش آموزان، دعوت از والدین دانش آموزان به گردهمایی در مدارس و آگاه کردنشان به شرایط کار و زندگی معلمان و جلب حمایتشان... معلمان را از پشتوانه عظیم اتحاد درونی و حمایت اجتماعی مردم برخوردار میکند.

۴- انتشار نشریه معلمان، پخش اطلاعیه های روشنگرانه خطاب به جامعه و مردم و بویژه خانواده دانش آموزان و خود دانش آموزان در مبارزه معلمان حیاتی است. اگر مدیا پخش اخبار و مبارزات و خواستههای معلمان و شرایط فلاکتبار زندگیشان را سانسور میکند باید این سد سانسور را با چاپ نشریه، برگزاری سمینارها و پخش بیانیه و اطلاعیه های خبری و روشنگرانه شکست.

۵- خواستههای روشن و زمانبندی شده. خواستههای معلمان در قطعنامه تشکلهای صنفی هر شهر و محل به صورتهای مختلف منعکس است. برای نمونه در نشست گیلان یا قطعنامه معلمان مذاکره به رسمیت نشناسند، هرگونه مذاکره خارج از این چارچوب و یا هر گونه تصمیم یک جانبه قابل قبول نیست.

۳- مجامع عمومی معلمان در سطح مناطق شهری، گردهماییهای مشترک معلمان و دانش آموزان، دعوت از والدین دانش آموزان به گردهمایی در مدارس و آگاه کردنشان به شرایط کار و زندگی معلمان و جلب حمایتشان... معلمان را از پشتوانه عظیم اتحاد درونی و حمایت اجتماعی مردم برخوردار میکند.

۴- انتشار نشریه معلمان، پخش اطلاعیه های روشنگرانه خطاب به جامعه و مردم و بویژه خانواده دانش آموزان و خود دانش آموزان در مبارزه معلمان حیاتی است. اگر مدیا پخش اخبار و مبارزات و خواستههای معلمان و شرایط فلاکتبار زندگیشان را سانسور میکند باید این سد سانسور را با چاپ نشریه، برگزاری سمینارها و پخش بیانیه و اطلاعیه های خبری و روشنگرانه شکست.

۵- خواستههای روشن و زمانبندی شده. خواستههای معلمان در قطعنامه تشکلهای صنفی هر شهر و محل به صورتهای مختلف منعکس است. برای نمونه در نشست گیلان یا قطعنامه معلمان

معلمان از موقعیت اجتماعی و شخصیتی بسیار خوبی در جامعه برخوردارند. این قشر محبوب به هیچ کس بدهکاری ندارند و صمیمانه و دلسوزانه نسلهای را آموزش و پرورش میدهند. میلیونها دانش آموز از متحدین معلمانند. معلمان میلیونها انسان سمپات، دوست و متحد خود در میان خانواده دانش آموزان را دارند. معلمان سمپاتی و دوستی وسیع اجتماعی را پشت سر خود دارند... متاسفانه تا کنون نه نیروی خود معلمان به تمامی به میدان آمده و نه سمپاتی وسیع اجتماعی پشت خواستههای عادلانه و انسانی معلمان بسیج شده است. نیروی آکتیو در مبارزات کنونی یک هزارم کل نیروی اجتماعی معلمان نیست.

راه هرگونه پیشرفت در پشت سر گذاشتن این موانع و انتخاب و اتخاذ شیوه و راههای موثر و رادیکال مبارزه و استفاده از همه نیروی معلمان و ظرفیتهای اجتماعی او است. راهکارهای آینده پیشروی معلمان در گرو فاکتورهای زیر است.

۱- وجود یک رهبری سراسری روشن و مصمم و جدی و رادیکال. تنها چنین رهبری سراسری ای میتواند صفوف معلمان، تشکلهای و

کردستان در سنجند، تجمع تهران و... اما همواره جای طرح یک مطالبه سراسری که مهمترین خواستههای صنفی و سیاسی معلمان را در بر گرفته باشد و همه تشکلهای محلی به آن استناد کنند و یک مبارزه سراسری حول آن راه بیفتد، خالی بوده است.

دوستان! محکوم کردن میلیونی معلمان و خانواده هایشان به یک زندگی فلاکتبار و زیر خط فقر جرم است. عاملین آن باید به جامعه معلمان، دانش آموزان و خانواده هایشان جوابگو باشند. این کمترین توقع و فوری ترین خواست شما معلمان است. حقوق و دستمزدهای کنونی در مقابل تورم و گرانی و فلاکتی که سرمایه داران و دولتشان به جامعه تحمیل کرده اند، ناچیز و هیچ است. گرسنگی مطلق دامن میلیونها خانواده کارگران، معلمان و مردم زحمتکش را گرفته است. هم اکنون سرنوشت حقوق معلمان با دستمزد کارگران، حقوق پرستاران و دیگر حقوق بگیران جزء جامعه گره خورده است. این همبستگی و هم سرنوشتی را باید نشان داد و سازمان داد. اجتماع در جلو مجلس به خودی خود ایرادی ندارد اما تجارب تا کنونی مبارزات خود شما نشان داده است که نمایندگان مجلس ناجی معلمان نیستند. اینها حافظان

مارکس در رنگین کمان اعتراضی

عنوان
"علیه"

باندرونها و پرچمها این مارکس بود که بیشترین توجه را بخود جلب مینمود. صرف نظر از اینکه هر جریان شرکت کننده در صف تظاهرات کدام تغییرات را جستجو میکرد، صرف نظر از پیام باندرونها، صرف نظر در

میان علاقمندان دریافت آن، ناپدید گردید. کیف و جیبهایمان پر از انواع برشور و اعلامیه، شامگاه روز شنبه راه شهر گوتنبرگ را در پیش گرفتیم. شور و شادی و تحرک موجود در میان جمعیت حاضر در همایش هر ذره از خستگی را از تن فراری میدهد. بخش اصلی شرکت کنندگان مرارت و زحمت و راه طولانی را بر خود هموار ساخته بودند تا تلاش خود برای تغییر مد نظرشان را در این ولوله جلوی صحنه برانند. بازارگرمی و یار گیری کنند. هیجان و حرارت و مشت

تنوع خیره کننده در پرچمها و اهداف رژه روندگان یک سرخ اصلی را میشد تشخیص داد و آن اینکه "سرمایه داری سرمنشا همه مصایب دنیای ماست، دنیای دیگری را با اعتراض خود ممکن خواهیم ساخت". جای مارکس اینجا بود. در فاصله چهار ساعت تظاهرات موج بزرگی از توجه، علاقه و تشویق به سمت مارکس و گروه چند نفره ما معطوف بود. برای این تظاهرات برشورهایی در معرفی منصور حکمت و "برنامه دنیای بهتر" آماده ساخته بودیم که سرعت در



کاپیتالیسم و تخریب محیط زیست، دنیای دیگری ممکن است" برگزار گردید. پانزده هزار نفر با پرچمها و باندرونها و طبل و شعارهایشان یکبار دیگر و اینبار چکیده پیام خود

... با همه تنوع هنوز میتوان مخرج مشترک ساده ای را در میان شرکت کنندگان سراغ گرفت: اعتراض!

مضمون اعتراض در عنوان گویای همایش - جهان دیگری ممکن است - گنجانده شده بود. طبعاً انواع تظاهرات و اکسیونها در برنامه ها هم نظر علاقمندان را بخود جلب میکرد. اکسیون اعتراضی با یادکنکهای رنگی تا اشغال محوطه کارخانه اسلحه سازی و درگیری های خیابانی میان پلیس و جوانان گروههای

برای "جهان دیگر" مدنظر خویش را بنمایش گذاشتند. ما هم، جمعی از واحد شهری گوتنبرگ از حزب حکمتیست و سازمان سراسری پناهندگان ایرانی برای شرکت در این رژه کفش و کلاه کردیم. عکس بزرگی از مارکس را برای این رژه آماده ساخته بودیم. جایی که بحث بر سر

آنارشویست و Reclaim the city همگی جای ویژه ای را بخود اختصاص میداد. در تکمیل تصویر این همایش هنوز باید از فاکتور مهم دیگری نیز نام برد، جشن و جشن و جشن. در ولوله صداها سمینار و جشن و موزیک و پایکوبی و اعتراض، شهر مالمو خواب آرام بخود ندید.

سرمایه داری باشد، جایی که بحث بر سر ساختن دنیای متفاوت در میان باشد، مارکس باید در پیشاپیش این صف قرار بگیرد. در فاصله کوتاهی و به محض شروع صف تظاهرات و راه پیمایی، در میان انبوه

روز پایانی از اجزای مهم این همایش بحساب میاید. رژه بزرگ و خیابانی مثل همیشه توجه افکار عمومی و رسانه ها را بخود جلب کرد. این رژه مطابق برنامه ریزی قبلی زیر

گوتنبرگ - ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۸

ادامه از ص ۴

... قوانین تبعیض آمیز و نابرابرند. پشتگرمی شما و ضامن موفقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان و اعتصابات سراسریشان است. دستهای گچی شما دل دولتمردان را به رحم نمی آورد، همچنانکه فقر و گرسنگی فرزندانان وجدان کرم خورده این شکم سیران را بیدار نمیکند. به جای نشان دادن دستهای گچی، مشتهای گره کرده تان را به این غاصبان نان سفره کارگر و معلم و پرستار نشان دهید! ۱۵ میلیون دانش آموز تحت فشار فقر و خواهان رهایی فرهنگی و اخلاقی حامیان شما معلمان هستند. قدرت خود را دریابید و سازمان دهید و به میدان بیاورید. جز با نشان دادن قدرت اجتماعی و عزم و اراده استوار، غاصبان حقوق و داراییهای مردم و جامعه، تسلیم نمی شوند.